

چین جای آمریکا را نمی گیرد

کامیار محدث از وضعیت اقتصاد جهان بعد از کرونا می گوید

مرتضی مرادی: کامیار محدث، اقتصاددان ایرانی و استاد دانشگاه کمبریج می گوید که هنوز تا واکسیناسیون کامل و دوران پساکرونا خیلی مانده است. اما با فرض اینکه روزی واکسیناسیون کامل انجام شود، انتظار دارد که چنین وضعیتی را شاهد باشیم: ۱- تکنولوژی و اینترنت با سرعت بسیار بیشتری نسبت به قبل از کرونا رشد کند. ۲- به دلیل جاذبهاتادن دور کاری، مچینگ بهتری در بازار نیروی کار صورت گیرد. ۳- دسترسی نیروی کار کشورهای در حال توسعه به شرکت های بزرگ دنیا، سطح آموزش و سرمایه انسانی را در کشورهای در حال توسعه همچون ایران بالا ببرد. ۴- نابرابری های محلی کاهش بیابد. او همچنین می گوید اگر چه چین این توانایی را دارد که در آینده به آمریکا برسد، اما هنوز خیلی تا آنجا فاصله دارد و این طور نیست که بگوییم بعد از پایان کرونا، چین جایگزین آمریکا خواهد شد. محدث اعتقاد دارد بسته های محرک اقتصادی اثر توری قابل توجهی نخواهند داشت و اگر درست استفاده شوند می توانند به سرمایه گذاری روی اقتصاد پایدار و اقتصاد سبز کمک کنند.

کلی کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است. چرا که اگر بحث تحریم را در نظر نگیریم، نیروهای متخصص این کشورها می توانند برای شرکت های بزرگ دنیا کار کنند. همچنین رشد در بخش تکنولوژی و اینترنت با سرعت بیشتری نسبت به قبل رخ خواهد داد. در کل فکر نمی کنم به آن وضعیتی که قبل از کرونا وجود داشت برگردیم و تغییرات اساسی وجود خواهند داشت.

پس آیا می توان به مچینگ بهتر در بازار نیروی کار به عنوان یکی از اثرات مثبت کرونا اشاره کرد و آیا می توان گفت این مچینگ بهتر می تواند روی رشد اقتصادی کشورهای در



به طور کلی و فارغ از اینکه در مورد چه کشورهایی صحبت می کنیم، در حال حاضر چه سناریوهای را برای اقتصاد دنیا متصور هستید؟

بستگی به این دارد که واکسیناسیون تا چه حدی انجام شود. عده ای در حال حاضر بر این عقیده هستند که تعداد زیادی از مردم دنیا واکسینه شده اند و ما به سرعت به حالت عادی بر خواهیم گشت. اما به نظر من این حرف خیلی خوش بینانه است. برای مثال در انگلیس تقریباً ۴۲ درصد مردم انگلیس دو دوز واکسن دریافت کرده اند و به طور کامل واکسینه شده اند و در انگلیس در حال حاضر بحث سر این است که تا دو

هفته آینده، محدودیت هایی که وجود دارد برداشته شود یا خیر. عده ای معتقد به این هستند که هنوز نباید محدودیت ها برداشته شود چرا که در انگلیس تعداد کسانی که به کرونا مبتلا می شوند مجدداً در حال افزایش است. البته باید توجه داشت تعداد مردمی که جانشان را از دست می دهند کاهش یافته است و این نشان می دهد واکسیناسیون موثر بوده است. بنابراین اگر چه عده ای می گویند در حال حاضر در کشورهای پیشرفته، دوران کرونا دیگر سرآمده و می توان محدودیت ها را برداشت و همه چیز به زودی نرمال خواهد شد، اما من این طور فکر نمی کنم. به نظر من مساله کرونا به این زودی ها پایان نمی یابد و هنوز تا واکسیناسیون کامل دنیا خیلی مانده است. تا جایی که حتی در انگلیس، به دلیل رشد تعداد کسانی که به کرونا مبتلا می شوند، دولت ممکن است محدودیت هایی را که می خواست در ۲۱ ژوئن بردارد، همچنان باقی بگذارد. همچنین امکان دارد محدودیت ها را در محله های خاص افزایش دهد. همچنین عده ای از مردم در مورد چین می گویند که چین توانسته به سرعت کرونا را شکست دهد و به حالت عادی بازگردد. در حالی که داده های مربوط به بخش خدمات نشان می دهد که در چین هم، هنوز مردم به اندازه گذشته از رستوران ها و تئاترها استفاده نمی کنند. همین الان چندین شهر بزرگ در چین در لاکداون هستند، بنابراین من فکر نمی کنم ما به این زودی به حالت عادی بازگردیم.

شما می گوید که به این زودی ها به حالت عادی باز نخواهیم گشت و تا واکسیناسیون کامل مسیر زیادی مانده است. سوالم این است که اگر فرض کنیم واکسیناسیون به صورت کامل انجام شود، آن وقت آیا اقتصاد دنیا به وضعیتی قبل از کرونا باز خواهد گشت؟ یا اینکه معادلات عوض خواهد شد؟

سوال خوبی است. خوب اقتصاد همین الان هم خیلی عوض شده است. ما در گذشته فکر نمی کردیم که مردم بتوانند از خانه این گونه که امروز رایج شده است، کار کنند. پس روش کار عوض خواهد شد و این اثر مهمی روی شرکت ها خواهد گذاشت. تا پیش از این شرکت ها می بایست در بازار محلی دنبال نیروی کار می گشتند اما حالا می توانند نیروی کار خود را از سراسر دنیا جذب کنند. این تغییر برای کشورهای همچون ایران یا به طور

حال توسعه اثر مثبت بگذارد؟

دقیقاً البته این اثر بسیار جزئی است اما همین اثر جزئی به شدت مهم است. چرا که مردم را تشویق به یادگیری بیشتر و افزایش مهارت هایشان می کند. همچنین در نتیجه اثری که کرونا هم روی سیستم آموزشی و هم توسعه تکنولوژی های آموزشی و اینترنت گذاشت، کسانی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند، می توانند خیلی راحت تر و بیشتر از قبل به آموزش های پیشرفته دسترسی داشته باشند و آموزش هم کلید رشد اقتصادی است. البته چنین چیزی نیاز به زیرساخت های تکنولوژیک و اینترنتی مناسب دارد و کشورها باید چنین زیرساخت هایی را داشته باشند. در ایران، در دوره اول روحانی، به اندازه زیادی این زیرساخت ها از طریق افزایش پهنای باند اینترنت ایجاد شد که به ایجاد شدن سرویس های مختلف اینترنتی در ایران منجر شد.

برای کشورهای توسعه یافته چطور؟ بعد از اینکه واکسیناسیون کامل انجام شد، آنها چگونه تحت تاثیر قرار خواهند گرفت؟

خب از آنجا که نیروی کار همچون گذشته نیاز ندارد برای کار کردن به محل کار برود و می تواند از راه دور کار خود را انجام دهد، اول، تقاضای خدماتی همچون استارباکس و اوبر احتمالاً به سطح گذشته باز نخواهد گشت. دوم، بازار مسکن تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. چرا که تقاضای مسکن در شهرهای شلوغ و همچنین مناطق پر تقاضای این شهرها کاهش خواهد یافت و برای مثال نیروی کاری که در لندن کار می کند، دیگر نیازی ندارد که حتماً در مرکز شهر ساکن باشد و می تواند به شمال شهر برود؛ جایی که مسکن هم ارزان تر است و هم می تواند فضای بیشتری را در اختیار داشته باشد. البته باید توجه داشت که این اثرات بیشتر اقتصاد محلی را تحت تاثیر قرار می دهد، نه اقتصاد ملی را. فکر می کنم این گونه، نابرابری مناطقی هم کاهش می یابد که البته چنین چیزی طول خواهد کشید.

سوال بعدی من، پیرامون اثر بسته های حمایتی دولت ها و بانک های مرکزی روی اقتصاد است. در سال ۲۰۰۸ دولت و بانک مرکزی آمریکا از شرکت های بزرگ حمایت کردند و سیاست مالی و پولی ای که آن زمان در آمریکا اتخاذ شد، اثر توری قابل توجهی

پیشرفت چین طی چند دهه گذشته بسیار قابل توجه بوده است. اما هنوز برای اینکه بتواند جای آمریکا را بگیرد راه زیادی باقی مانده است. نمی گویم که در آینده هم نمی تواند باشد. بلکه می گویم هنوز اقتصاد چین، ساختار اقتصاد چین، سطح سرمایه انسانی و انگیزه های که در چین برای نوآوری در حوزه های مختلف وجود دارد، در وضعیتی نیست که بتواند چین را جایگزین آمریکا کند.

در حوزه ارزی و مداخلات قیمتی، در وضعیتی قرار ندارد که سیستم مالی جدیدی را به وجود آورد که دنیا آن را بپذیرد. اما به هر حال فکر نمی‌کنم که بیت‌کوین آینده سیستم مالی دنیا باشد.

❖ لزوماً بیت‌کوین نه، منظورم به طور کلی رمزارزها و فناوری بلاک‌چین است.

من فکر می‌کنم احتمال ظهور سیستم مالی جدیدی که باز هم به نوعی اعتبارش را از بانک مرکزی بگیرد بیشتر است. مثلاً در سوئد چیزی وجود دارد به نام «E-Krona». کرونا واحد پول رسمی سوئد است و E هم یعنی کرنا الکترونیکی. شاید چیزهایی از این جنس شانس بیشتری برای اینکه جایگزین سیستم مالی فعلی شوند داشته باشند. ولی باز هم همه اینها حدس و گمان است و نمی‌توان دقیق در مورد آنها نظر داد. توجه کنید که مشکل من با بیت‌کوین و رمزارزها، به خاطر مساله استخراج آنها و برقی است که مصرف می‌کنند و مشکلی با ماهیت آنها به عنوان یک سیستم پرداخت و دریافت جایگزین ندارم.

❖ سوال دیگرم پیرامون سه قیمت است: قیمت نفت، طلا و دلار. در مورد این سه قیمت چه تحلیلی دارد؟

پیش‌بینی در مورد قیمت طلا و دلار ندارم، اما در مورد نفت چرا. به این خاطر که طی ۱۵ سال گذشته بسیاری از تحقیقاتم در حوزه نفت بوده است. چندین سال پیش، همراه با پروفیسور هاشم پسران مقاله‌ای نوشتم در مورد قیمت تعادلی نفت و عقیده داشتیم که قیمت تعادلی نفت، جدای از نوساناتی که می‌کند بین ۶۰ تا ۷۰ دلار است. در حال حاضر هم من همین قیمت را قیمت تعادلی برای نفت می‌دانم. اما نکته اینجاست که در حال حاضر، به دلیل فشار دولت‌ها، شرکت‌های نفتی دنیا هزینه‌هایشان روی کشف و استخراج نفت را کاهش داده‌اند و بیشتر توجهشان معطوف به گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر است. در میان مدت فکر می‌کنم به دلیل این کاهش سرمایه‌گذاری در نفت، عرضه آن پایین خواهد آمد و قیمت نفت یک رشد را خواهد دید، چراکه همچنان تقاضا برای نفت وجود دارد. البته می‌دانیم که در طولانی مدت اثر نفت در اقتصاد دنیا کمتر و کمتر می‌شود. دلالت مهم برای ایران این است که ما وابستگی مان به نفت را کمتر و کمتر کنیم و به گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر روی بیاوریم.

❖ درست است. ولی در حال حاضر ما تحریم هستیم و اگر زیرساخت‌های کافی برای استخراج و صادرات بیشتر گاز را هم داشتیم، نمی‌توانستیم خیلی در این کار موفق باشیم.

بله. البته اثر مثبتی که تحریم روی ایران داشت، این بود که اقتصاد مجبور شد متنوع شود و تحریم یک شوک بزرگ برای متنوع‌سازی منابع درآمدی ایران بود. نمی‌گویم تحریم چیز خوبی بود، صرفاً می‌گویم که یکی از اثرات مثبت آن متنوع‌سازی منابع درآمدی بود. به طوری که سهم نفت در بودجه، در حال حاضر کمتر از سهم نفت در بودجه همسایگان نفتی ایران است.

❖ گفتید که قیمت تعادلی نفت ۶۰ تا ۷۰ دلار است. قیمت نفت همین حالا در همین سطوح قرار دارد. کمی بیشتر در مورد این موضوع توضیح می‌دهید؟

بله، در همین حدود است. اما همان‌طور که گفتیم، از آنجا که سرمایه‌گذاری روی نفت در حال کاهش است و شرکت‌های نفتی روی گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری می‌کنند، طی حدود پنج سال آینده قیمت نفت رشد را تجربه خواهد کرد. اما آن رشدی را که طی پنج سال آینده پیش‌بینی می‌کنم، آخرین باری خواهد بود که قیمت نفت رشد قابل توجه را تجربه خواهد کرد و بعد از آن مجدداً به قیمت تعادلی‌اش باز خواهد گشت.

❖ ممنون از اینکه وقتتان را در اختیار ما قرار دادید. نکته دیگری دارید؟

بسیار خوشحال شدم. برای خودم که خیلی خوب بود که کمی بیشتر در مورد این مسائل فکر کنم. مهم است که بدانیم کوئید جایی نخواهد رفت تا اینکه واکسیناسیون کامل انجام شود. ایران هم باید بعد از برداشته شدن تحریم‌ها و بازگشت به بازارهای دنیا، تجارت و اقتصاد را متنوع‌تر از قبل کند و باید این برنامه‌ریزی را همین امروز انجام دهیم.

❖ می‌گویید بعد از برداشته شدن تحریم‌ها، پس یعنی به رفع تحریم‌ها خوش‌بین هستید؟

بله، به اینکه تحریم‌ها برداشته شود خوش‌بین هستم. ولی مساله این است که ما نباید بگوییم که بعد از برداشته شدن تحریم‌ها می‌توانیم نفتمان را بدون تخفیف به هر کجا که خواستیم بفروشیم و با خوشحالی از این موضوع کار دیگری نکنیم. بلکه باید بدانیم که نیاز به حرکت به سوی گاز و متنوع‌سازی بیشتر اقتصاد و منابع درآمدی داریم. ❖

نداشت. اما در حال حاضر گفته می‌شود که مثلاً بسته پنج تریلیون دلاری در آمریکا اثر تورمی دارد. تحلیل شما چیست؟

از یک طرف بستگی به این دارد که آیا این بسته‌های حمایتی ادامه خواهند داشت یا خیر. از طرف دیگر بستگی به این دارد که آیا همین بسته‌های حمایتی فعلی، تقاضا را بالا می‌برند یا خیر. اگر تقاضا بالا برود، قیمت‌ها رشد می‌کند و اگر قیمت‌ها رشد کند، بانک مرکزی باید جلوی آن را مثلاً از طریق افزایش نرخ‌های بهره بگیرد و اگر چنین کند، رشد اقتصادی کم می‌شود. اما من فکر می‌کنم که الان خیلی زود است که در مورد این مسائل صحبت کنیم. کسانی که حرف از تورم در نتیجه بسته‌های حمایتی می‌زنند، با توجه به داده‌هایی تحلیل می‌کنند که از نظر من این داده‌ها هنوز به بلوغ نرسیده‌اند. تصور این است که کشورهای توسعه‌یافته، در نتیجه این بسته‌های حمایتی، با مشکل تورم روبه‌رو نخواهند شد و نهایتاً در مقطعی کوتاه تورم مقداری رشد کند. به نظرم نیازی نیست که نگران تورم باشیم. بلکه باید توجهمان معطوف به بازار نیروی کار و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک و اقتصاد سبز باشد. اگر این بسته‌های حمایتی، به درستی، سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های پاک و اقتصاد سبز را تحریک کند، اثر قابل توجهی خواهد داشت و زیرساخت‌ها به طور مثبت تغییر خواهد کرد.

❖ دیدگاهی در مورد تغییرات معادلات اقتصاد جهانی وجود دارد که البته من با آن مخالف هستم: «اینکه بعد از اینکه کرونا پایان یافت، چین جای آمریکا و یوآن جای دلار را در اقتصاد جهانی خواهد گرفت». من فکر می‌کنم که این حرف‌ها بیشتر برای جلب توجه است. نظر شما چیست؟

بیشتر چین طی چند دهه گذشته بسیار قابل توجه بوده است. اما هنوز برای اینکه بتواند جای آمریکا را بگیرد راه زیادی باقی مانده است. نمی‌گویم که در آینده هم نمی‌تواند باشد. بلکه می‌گویم هنوز اقتصاد چین، ساختار اقتصاد چین، سطح سرمایه‌انسانی و انگیزه‌هایی که در چین برای نوآوری در حوزه‌های مختلف وجود دارد، در وضعیتی نیست که بتواند چین را جایگزین آمریکا کند. عده‌ای می‌گویند تولید ناخالص داخلی چین از آمریکا بیشتر است. اما همچنان تولید ناخالص سرانه در آمریکا چهار برابر چین است. اما چین این توانایی را دارد که در بلندمدت به آمریکا برسد. حتی تحریم‌های تکنولوژیک ترامپ علیه چین، باعث شد که دولت چین روی بخش تکنولوژی سرمایه‌گذاری بیشتری کند و چنین چیزی نیز اثر مثبتی روی رشد اقتصادی چین دارد.

❖ سوال بعدی من پیرامون سیستم مالی دنیاست. تا پیش از کرونا هم رمزارزها و فناوری بلاک‌چین همچنان که در حال پیشرفت بود، مقبولیتش در حال افزایش بود. با شیوع کرونا و خانه‌نشینی مردم، عده زیادی به سرمایه‌گذاری در رمزارزها و مطالعه در این حوزه روی آوردند و امروزه، رمزارزها بیش از پیش مورد اعتماد مردم هستند. در مورد یوآن و دلار، همان‌طور که گفتیم فکر نمی‌کنم یوآن جای دلار را بگیرد، اما در مورد اینکه رمزارزها جای دلار را بگیرند، نظرم مثبت است. یکی دیگر از دلایلم این است که دنیا نسبت به اینکه جایگزینی برای دلار پیدا کند احساس نیاز پیدا کرده است. چرا که آمریکا به دلیل سلطه‌اش بر سیستم مالی دنیا، هر کار که بخواهد می‌کند و دنیا نمی‌خواهد این ادامه داشته باشد. نظر شما چیست؟

من واقعاً از بیت‌کوین بدم می‌آید دلیل آن هم وحشتناک است. بیت‌کوین برای توسعه پایدار به شدت مضر است. استخراج بیت‌کوین و استخراج سایر رمزارزها، انرژی به شدت زیادی را مصرف می‌کند و در واقع منابعی را که برای توسعه کشورها نیاز است، هدر می‌دهد. در ایران، ۱۰ درصد تولید برق داخلی، در استخراج رمزارزها مورد استفاده قرار می‌گیرد و چنین چیزی اصلاً قابل پذیرش نیست. برای همین به نظر من، بیت‌کوین، آینده سیستم مالی در دنیا نیست. اما از طرفی هم من با این حرف که دنیا نیاز دارد جایگزینی برای دلار پیدا کند موافقم. دنیا به این نتیجه رسیده که نیاز به یک سیستم پرداخت و دریافت بین‌المللی جدید دارد و دلار نمی‌تواند این را ادامه دهد. خوب آن سیستم باید چه باشد؟ شاید بتواند چیزی باشد که کشورهای حوزه یورو، چین و روسیه آن را طراحی کنند. فکر می‌کنم اتفاقاتی از این دست خواهد افتاد اما خیلی طول خواهد کشید. سیاست‌های ترامپ نیز به این نیاز دامن زد و معلوم نیست بایدن تا چه حد خواهد از این سیاست‌ها عقب بکشد. البته کشورهای حوزه یورو، چین و روسیه طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته آنقدر که باید باثبات نبوده‌اند که بتوانند به زودی سیستم جایگزینی برای دریافت و پرداخت‌های بین‌المللی ایجاد کنند. حوزه یورو با بحران مواجه شد، روسیه با بحران مواجه شد و چین هم اگر چه با بحران مواجه نشد، اما به دلیل مداخلات دولت

سیستم مالی جدید

احتمال ظهور سیستم مالی جدیدی که باز هم به نوعی اعتبارش را از بانک مرکزی بگیرد بیشتر است. مثلاً در سوئد چیزی وجود دارد به نام «E-Krona».

کرونا واحد پول رسمی سوئد است و E هم یعنی کرنا الکترونیکی. شاید چیزهایی از این جنس شانس بیشتری برای اینکه جایگزین سیستم مالی فعلی شوند داشته باشند.